



رویکردهای آخرالزمانی متداول، مطابقتی با نگاه قرآنی و روایی ندارد

حجت الاسلام اصفهانیان با بیان اینکه شیوع بیماری کرونا ربطی به حوادث آخرالزمان نهایی ندارد، گفت: متأسفانه رویکردهای آخرالزمانی متداول، با نگاه قرآنی و روایی، دارای مطابقت نیست.

حجت الاسلام اصفهانیان با بیان اینکه شیوع بیماری کرونا ربطی به حوادث آخرالزمان نهایی ندارد، گفت: متأسفانه رویکردهای آخرالزمانی متداول، با نگاه قرآنی و روایی، دارای مطابقت نیست.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: این روزها که بیش از ۱۶۰ کشور جهان در حال مبارزه با شیوع ویروس کرونا و عواقب سو ناشی از آن هستند، بازار طرح مسائل و شبهات اعتقادی که معمولاً در بحبوحه بحران ها، داغ می شود نیز رونق گرفته است. ازجمله مهمترین این مباحث ربط دادن شیوع این بیماری به حوادث آخرالزمانی و علائم ظهور امام زمان (عج) است. از این رو، در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین سعید اصفهانیان، استاد حوزه و دانشگاه و مدیر مؤسسه اصحاب الحسین (ع) درباره وجود یا فقدان رابطه میان شیوع کرونا با ابتلائات آخرالزمانی گفت وگویی ترتیب داده ایم که در ادامه مشروح آن تقدیم حضورتان می شود:

*آیا آنچه امروز در جهان و ایران از نظر شیوع ویروس کرونا و افزایش تعداد مبتلایان و جان باختگان آن در حال وقوع است، ارتباطی با حوادث و وقایع پیشگویی شده برای آخرالزمان دارد؟

در مطلع سخن، سلام و درود می فرستم به روح پرفتوح امام و شهیدان به ویژه شهدای جبهه مقاومت و در رأس آنها سردار حاج قاسم سلیمانی که پیشتازان آخرالزمانی دوران ما هستند و همچنین عرض درود به پزشکان و پرستارانی دارم که دل به طوفان بلا زدند و سلیمانی وار، در میدان سلامت بخشی بیماران وارد شده اند! گویی حوادث شکل گرفته پس از شهادت سپهبد سلیمانی، موتور محرکه گام دوم انقلاب را فعال تر کرده است. از جمله آنکه فضای شکل گرفته در جامعه پزشکی، اینک یادآور دوران دفاع مقدس بوده و فضایی قابل تقدیس است.

اما درباره شیوع کرونا و اتصال یا عدم اتصال آن به آخرالزمان ذکر چند نکته مقدماتی ضروری است: اولاً چند دهه ای است که از جانب جبهه غربی، تلقی ورود به «آخرالزمان نهایی» و آپوکالیپسی (با حضور و تقابل ۴ اسب سوار) را شاهد هستیم! از دید این جبهه، شاکله اصلی و این زمانی عصر ما، با رویکرد «جهانی سازی» و نگرش «آخرالزمان نهایی» پی ریزی شده و بر اساس آن می بایست، فضاهای کلان سیاسی، اقتصادی و امنیتی جهان مورد رصد و مدیریت قرار گیرد! این مهم ریشه در متن «پروتکل های صه یون» در نیمه دوم قرن ۱۸ میلادی دارد و پس از آن با مصادیقی کلان، در نظامات جهانی تعریف پذیرفته است. ما به دلیل طولانی شدن بحث از توضیح آن خودداری می کنیم.

ثانیاً: باید توجه داشت که وقوع انقلاب اسلامی در ایران با نگاه، حرکت و جهت کلی آخرالزمانی، موجب شد تا غرب نیز رویکرد خود نسبت به «تقابل نهایی» را حسب دانش عهدینی پیشین تقویت نموده و حرکت «به سوی آخرالزمان» را به شکلی «تصنّعی» سرعت بخشد و حرکتی در درون «آخرالزمان نهایی» ترسیم کند! تاسیس اولین شبکه خبری جهان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران (CNN)، گسترش شدید پیام های آخرالزمانی به ویژه از دهه ۹۰ میلادی در سینمای غرب (Holly wood)، نشر مستمر فرهنگ شیطانی و دجالی به اقصای نقاط عالم، گسترش ادبیات آخرالزمانی در فضای سیاسی، حمله آمریکا به خاور میانه جهت کنترل اقوام یاجوج و ماجوج، حضور در منطقه جهت یاری مسیح (ع) در هنگام نزول وی، تشدید حملات به فلسطین در راستای منافع نبرد نهایی، اخذ ۴۰ میلیون از آرا جامعه آمریکا برای رئیس جمهور جدید جهت حرکت های آخرالزمانی صهیونیسم مسیحی توسط کشیش هال لیندسی وhellip& گزاره های مختلفی در تأیید مدعای فوق شمرده می شود.

اینک طرح این نوع از نگرش توسط رسانه های مختلف غربی، فزونی یافته و تحلیل آخرالزمانی نسبت به «تقابل نهایی»، محدود به حزبی خاص و یا فضای درونی غرب نگشته است تا آنجا که سوزان رایس وزیر خارجه پیشین آمریکا، نظم نوین جهانی پس از جنگ جهانی دوم را تحت فشار «چهار سوار آخرالزمانی» ترامپ نامید! چنانکه ترور ناجوانمردانه سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، توسط «واشنگتن پست»، از جنس وقایع آپوکالیپسی تعریف گردید و یک سال قبل از آن نیز اعطا مدال ذوالفقار توسط مقام معظم رهبری به ایشان با همین رویکرد مورد سخن واقع شده بود.

حسب آنچه گذشت، همچنین حسب ضعف تحلیل معرفتی ما نسبت به مباحث قرآنی و روایی آخرالزمان، اینک هر اتفاق بزرگ و ناشناخته (از جمله کرونا) ابتداء در حوزه مصداق شناسی «آخرالزمان نهایی» تعریف شده و پس از مدتی، از این حوزه خارج، و به حوزه «آخرالزمان عمومی» نقل مکان می کند!

*آموزه های دینی روایی ما در این باره چه نگاه و تصریحی دارد و تعبیر ما از وقایع چقدر به این آموزه ها نزدیک و شبیه است؟

بر حسب آموزه های دینی، مراحل حرکت کلی ملت ایران، به ویژه پس از انقلاب اسلامی، سمت و سویی آخرالزمانی و مهدوی دارد. در این تردیدی نیست! ده ها زنجیره از مباحث قرآنی، روایی و عقلانی در تأیید این معنا قابل گفتگو و بحث است. ما در جلد چهارم از تفسیر «الهدایه الی المهدی عج» و در مقاله اول آن، ده سیاق قرآنی در این موضوع را مورد بحث قرار داده ایم. اما در این میان، مهم آن است که بدانیم «آخرالزمان»، مفهومی کلان بوده و دارای مراتب و مراحل مختلف است؛ لذا شناخت بخش های مختلف آن و تفکیک از یکدیگر، پیش از تحلیل یا تطبیق، ضروری می نماید!

متأسفانه نگاه آخرالزمانی متداول، بدون توجه به این مهم شکل گرفته و تطبیق کاملی با نگاه قرآنی و روایی ندارد! و تأسف بارترا آنکه بگویم عمده تحلیل ها و تطبیقات آخرالزمانی در جامعه اسلامی (اعم از شیعه و سنی)، همخوان با همان ریل تصّعی «آخرالزمان نهایی» است که جامعه غربی در طی چند دهه گذشته، با بحث «نظم نوین جهانی»، «دهکده جهانی» و مباحث آپوکالیپسی در معرض جهانیان قرار داده است!

متون قرآنی روایی ما، آخرالزمان را در سه یا چهار مرحله مطالعه کرده و مفاهیم و علائمی شامل و مشمول و البته دقیق و مشخص را در باره هر مرحله ارائه می کند. «آخرالزمان نهایی»، همان آخرالزمان عهدینی و آپوکالیپسی است که امروز، جهان سیاست غربی از آن سخن می گوید و ما هنوز وارد آن مرحله از آخرالزمان نشده ایم. در این میان، ضعف اندیشه ای ما به ویژه در برادران اهل سنت موجب شده است تا با این روند جهانی همراه و هم داستان شویم، لذا با بروز هر نشانه ناشناخته و بزرگ، شاهد تحلیلی آخرالزمانی و یا به تعبیر صحیح تر، شاهد تطبیقی آخرالزمانی هستیم و پس از مدتی نیز، شاهد خطا بودن آن!

جامعه در هنگام مواجهه با بحران ها و نشانه های ناشناخته، به سرعت تطبیق کرده و هر بحران را نشانه ای از نشانه های «آخرالزمان نهایی» و در آستانه ظهور تلقی می کند

*تعبیر و برداشت های اشتباه ما از بحران های معمول به حوادث آخرالزمانی از چه علل و عواملی نشأت می گیرد؟

اشکال ما در فضای اندیشه ای است! در اندیشه مهدوی و در مطالعات آینده، گاهی ویژگی ها و مشخصات این مراحل و مقاطع به ویژه در دو بخش آخر، تلفیق شده و از یکدیگر تفکیک نشده اند! لذا جامعه در هنگام مواجهه با بحران ها و نشانه های ناشناخته، به سرعت تطبیق کرده و هر بحران را نشانه ای از نشانه های «آخرالزمان نهایی» و در آستانه ظهور تلقی می کند.

تکرار این خطا، بارها و بارها در طی چهل و یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی واقع شده است! در طی سالیان گذشته، بارها با این نگاه آخرالزمانی، اتفاقات مورد تحلیل خطا قرار گرفته است. بارها یمانی، خراسانی، دجال و سفیانی به شکل مصداقی مورد سخن قرار گرفته اند! آخرین باری که از سفیانی و لشکر آن به شکل مصداقی سخن به میان آمد در ماجرای داعش بود. در باد دارم که برخی از مسؤولین دولت پیشین بر این عقیده بودند که چون عرصه نبرد شکل گرفته در شام، عرصه تقابل با سفیانی است، لذا کمک به بشار اسد کاری خبط بوده و از همراهی با برنامه رهبر معظم انقلاب و مساعدت به شهید حاج قاسم پرهیز می کردند!

این نوع از خطای محاسباتی، بارها در مورد شعیب بن صالح نیز شکل گرفته است. از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون، چهار شخصیت مهم سیاسی، نظامی و فرهنگی به عنوان شعیب بن صالح به جامعه معرفی شده است. معنای معرفی چهار باره شعیب بن صالح آن است که حداقل چهار بار، اندیشه مهدوی و تحلیل آخرالزمانی محققین، همراه با فضای فرهنگی جامعه به چالش کشیده شده است! دلیل این خطا واضح است: عدم شناخت صحیح آینده مبتنی بر مؤلفه های آینده پژوهی و حیانی! مساله کرونا هم از این جنس است.

چنان که گفتیم تفکیک مراحل و حیطه های ذکر شده آخرالزمانی از یکدیگر، منوط به دقت در متون است. بر اساس متون

دینی، به نظر می‌رسد حداکثر چهار وجه را می‌توان نسبت به آخرالزمان مورد گفتگو قرار داد:

۱. ترسیم دوره ۱۰ هزار ساله انسان نسبت به نسل‌های پیشینی همچون انسان نئاندرتال (یا همان نسناس روایی)، ترسیم نوعی از آخرالزمان است!

۲. ترسیم دوران رسول اکرم (ص) یا همان «رسول آخرالزمان» نسبت به دیگر رسولان، ترسیم نوعی از آخرالزمان است!

۳. ترسیم دوران «شیوع فساد در کل زمین» و «احاطه علمی انسان» بر طبیعت، ترسیم نوع دیگری از آخرالزمان است! به تعبیر برخی از محققین، این مقطع با ۲۰۰۰ ریز موضوع روایی مورد سخن قرار گرفته است.

۴. ترسیم دوران گسترش فساد جهانی، همراه با «تحولات طبیعت» و «به چالش کشیده شدن قدرت علمی بشر» نیز، ترسیم نوع دیگری از آخرالزمان می‌باشد! این مرحله به تعبیری دارای ۵ نشانه عظیم و به تعبیری دارای ۱۰ نشانه عظیم است. ما از این بخش آخر با عنوان «آخرالزمان نهایی» و آپوکالیپسی یاد می‌کنیم.

* بنابر تصریح آیات و روایات ما در چه مرحله‌ای از مراحل چهارگانه آخرالزمان قرار داریم؟ آیا وارد مرحله چهارم یعنی آخرالزمان نهایی شده ایم؟

هر یک از مقاطع چهارگانه آخرالزمان دارای ویژگی‌هایی است که در بخش پیشین به کلیت آن اشاره شد و همچنان که پیش از این گذشت، از میان مقاطع چهارگانه، دو مقطع آخر است که عمدتاً مورد تشخیص خطا قرار می‌گیرد. جهت تبیین بیشتر این فضا، یکی از آیات قرآن و سپس یکی از روایات عترت را مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا تفکیک مقطع سوم آخرالزمان از «آخرالزمان نهایی» به سادگی برایمان میسر باشد.

در آیه ۲۴ سوره یونس، خدای متعال، به مقطع سوم آخرالزمان و همچنین «آخرالزمان نهایی» اشاره کرده و به سادگی و ایجاز، آن دو را از یکدیگر تفکیک نموده است. بر اساس آیه شریفه، دوران سوم، دوران بروز زیبایی‌ها و زینت‌ها و گسترش مظاهر لذات و قدرت‌نمایی انسانی است: «...حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا»؛ و دوران آخرالزمان نهایی، دوران فرا رسیدن ماجرای جدید و تحولاتی است که گویی از گنجینه‌ها و زینت‌ها و قدرت‌های دنیایی انسان، چیزی باقی نخواهد ماند: «...أَتَاهَا أَمْرًا لَّيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَعْنِ يَالْمُسْمَسُ»؛

و البته در نگاهی کلی‌تر، خدای متعال در آیات ۲۴ و ۲۵ سوره یونس، پیش از پرداختن به مقطع «گسترش زینت و قدرت بشر»، و مقطع «درو شدن داشته‌ها» ی بشری، از «حیات معمول دنیا» سخن می‌گوید و پس از اینها از «سرزمین سلامت» و امنیت! بر این اساس، این آیه تبیینی از فضای کلی دنیا، آخرالزمان فعلی، آخرالزمانی نهایی، همچنین حکومت آرمانی مهدوی است!

«إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَّيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَعْنِ يَالْمُسْمَسُ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ * وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

در حقیقت؛ مَثَل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم؛ پس گیاه زمین از آنچه مردم و دام‌ها می‌خورند با آن درآمیخت؛ تا آنگاه که زمین (از خرمی و سبزی) به خود زیور بسته و آرایش کند و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف پندارند ناگهان فرمان ما به شب یا روز در رسد و آن همه زیب و زیور زمین را چنان درویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است؛ این گونه نشانه‌ها [ی خود] را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم. * و خدا [شما را] به سرای سلامت فرا می‌خواند، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

بر اساس آنچه گذشت، دوران غرور و نخوت علمی انسان، همچنین دوران کنترل شرایط را نمی‌توان دوره «آخرالزمان نهایی» نام نهاد. در تکمله این معنا لازم است تا نگاهی به روایت زیبای جامع الاخبار از جناب سلمان نسبت به حجه الوداع پیامبر اکرم (ص) داشته باشیم تا تفکیک این دو مرحله برایمان سهل‌تر و واضح‌تر گردد.

جناب سلمان نقل کرده است که: پیامبر اکرم (ص) بعد از طواف حج در حجه الوداع، دستگیره در کعبه را گرفته، مردم را جمع کرده و از رخدادهای آینده سخن فرمودند. و چنان گریستند که همه مردمان به گریه افتادند. سپس حضرت، مقاطع آینده را به ۳ بخش کلی تقسیم کرده، و قریب به ۵۰ نشانه عمومی از نشانه های آخرالزمان را در تبیین آخرالزمان ماقبل آخر مطرح نمودند. نشانه هایی همچون: شیوع فساد، تغییر فعل عالمان، شباهت مردان به زنان و بالعکس، قدرت گیری علم و ...; و البته می دانیم که این ۵۰ نشانه در سایر روایات، تا دو هزار نشانه دیگر قابل توسعه می باشد.

در ادامه سخن آمده است: «...فاذا اوتیتم هذه الخصال فتوقعوا الريح الحمراء و...» وقتی که چنین خصلت هایی در جامعه اسلامی فراگیر شد، چشم انتظار حوادث عظیم در مقطع بعدی باشید و پاسخ طبیعت به گناه انسان را مشاهده نمایید! این متن با ذکر آیه ۶۵ سره انعام، کامل تر شده و مراحل درونی «آخرالزمان نهایی» مورد تبیین بیشتر قرار می گیرد. ما در کتاب «مستقیم کردن صراط، تنها رفتار استراتژیک در بحران آخرالزمان» این بحث را به تفصیل مورد سخن قرار داده ایم.

بر اساس آنچه گذشت ما اینک در آستانه ورود به «آخرالزمان نهایی» بوده و کثرت زلزله ها، شیوع بیماری ها و حوادث متعدد طبیعت، نشانی نسبت به تغییر ریل دوران به سوی «آخرالزمان نهایی» می باشد.

دوران غرور و نخوت علمی انسان، همچنین دوران کنترل شرایط را نمی توان دوره «آخرالزمان نهایی» نام نهاد

*چه ادله ای برای مثال درباره بیماری کرونا وجود دارد که ثابت می کند این بیماری از علائم آخرالزمان نهایی نیست و ما هنوز وارد آن مرحله نشده ایم؟

حسب آیات و روایات مربوط به دو مرحله مذکور، از جمله آیه ۲۴ سوره یونس و روایت جناب سلمان از پیامبر اکرم (ص)، مجموعه مسائل واقع در آخرالزمان نهایی از حیطة قدرت علمی و عمومی بشر خارج بوده و قابل کنترل نخواهد بود. تعبیر «فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَعْنِ يَالْأُمُس» که تعبیری در مقابل «وَوَظَّنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا» شمرده می شود گویای آن است که عجز مطلق و عمومی انسان در آخرالزمان نهایی به رخ کشیده خواهد شد.

اینکه ما امروز با ویروسی مواجه هستیم که علی رغم پیچیدگی و شیوع، قابل کنترل و درمان است، آن هم ویروسی ساختگی که در سال های گذشته مورد سخن رمان نویسان، انیمیشن سازان، دانشمندان طب و دانشمندان رایانه قرار گرفته است، یعنی هنوز وارد آخرالزمان نهایی نشده ایم! یعنی فتنه مزبور، فتنه ای انسانی (عنکبوت ۱۰) و قابل کنترل بوده و عذاب آسمانی و الهی جهت عجز بشر شمرده نمی شود!

اینک نیازمند تأملیم! برای ایستادن در مقابل جنگ نرمی که از سال ها قبل، علیه انقلاب اسلامی آغاز شده و در یک دهه اخیر تشدید شده و به سوی هویت جمعی توحیدی (به ویژه در جامعه اربعینی) سوق داده شده نیازمند تأملیم! این نبرد، در حال حاضر به نبردی ادراکی، چندوجهی و هیبریدی علیه هویت فطری انسان تبدیل شده است، باید در متون دینی عمیق شویم تا با ورود هر تحلیلی از جبهه باطل، انگیزه هایمان سست نشود و پاهایمان نلغزد. باید با تحلیلی جامع و دقیق از این عرصه عبور کرده و توشه ای مناسب برگیریم.

این بیماری در ۱۶۰ کشور جهان شیوع یافته است و بنا نیست که در دوران عمومی آخرالزمان، در روالی غیرمتعارف نسبت به شیعه رفتار شود

*این روزها شبهه ای مطرح می شود که چرا در کشور امام زمان (عج) ویروس کرونا شیوع یافته و چرا حضرت حجت (عج) شیعیان خود را از این بیماری مصون نمی کنند؟! پاسخ این شبهه چیست؟

اولاً: این اتفاق صرفاً برای ایران نیست. این بیماری در ۱۶۰ کشور جهان شیوع یافته است و بنا نیست که در دوران عمومی آخرالزمان، در روالی غیرمتعارف نسبت به شیعه رفتار شود. مگر آنکه کیان تشیع مورد تهدید جدی واقع گردد. ضمن آنکه، جامعه ایران با این ابتلاء و آزمون، همچون دوران دفاع مقدس، مجدداً خود را در معرض نجات بخشی و احیا الهی قرار داد!

در این میان شاهدیم که مجموعه های کثیف و زالوصفتی هم هستند که باطن خود را در این دوران، بیش از گذشته

نشان دادند، چنان که در دفاع مقدس نیز عده ای فقط در پی نان و آب و معیشت و دنیای خود بودند. برخلاف معیشت طلبان، جامعه پزشکی امروز ما با نگاهی سلیمانی وار به میدان جهاد آمده و مدالی پرافتخار را بر سینه خود نصب کرده است! چنان که پیام چندباره وزیر بهداشت در لبیک به مقام معظم رهبری، رنگ و بوی سیره شهید سلیمانی را داشته و دارد.

ثانیاً: زمانی که انقلاب اسلامی در ایران رخ داد، نسبت اصلی میان خود با مهدویت را تعریف نمود. بر این اساس، صحنه ها و آزمون های انقلاب اسلامی، چه آنها که شکل گرفته و چه آنهایی که شکل خواهد گرفت، همگی در نسبت با عرصه های آخرالزمانی و مهدویت و منطق غربال گری و رشد قابل تحلیل و مطالعه است. حسب سخن گرانقدر امام کاظم (ع)، بنابر آن است تا این صحنه ها و ابتلائات از ایران اسلامی یک چیز بسازد و آن هم «کزبر الحدید» و پاره های آهن است، مجموعه ای چندمیلیونی از انسان هایی عظیم چون سردار آسمانی مان شهید حاج قاسم سلیمانی! انسانی که نگاه خشمناکش بر دشمن، او را از عطوفت بر یتیمان باز نداشت، و این دو او را از ایجاد جریان مصلحانه در میان سیاست زدگان غافل نساخت.

درست است که بعد از شهادت سردار دل ها، ایران و ایرانی یکپارچه صدا زد که «من قاسم سلیمانی هستم» اما چنین ادعایی عظیم، نیازمند آزمون و میدان است. چرا که حسب آیه اول سوره مبارکه عنکبوت، آزمون آدمیان پس از طرح ادعایشان آغاز خواهد شد: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتَرَكَوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ». امید که آزمون های الهی را در سهل ترین صورت میسر طی نموده و مرضی امام عصر (عج) قرار گیریم، ان شاء الله.